



## «حلقات»

# درس صدوسی و چهارم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای مهدوی

بیان شد که بین تواتر و حکم شرعی ملازمه عقلی وجود ندارد. بنابراین به طریق اولویت بین اجماع و دلیل شرعی نیز ملازمه عقلی وجود نخواهد داشت.

اکنون به این سؤال جواب داده می شود که چرا اجماع از تواتر ضعیفتر است؟ در ادامه طبق روش شهید صدر (ره) چگونگی به دست آوردن دلیل شرعی از اجماع را بررسی می کنیم. در نهایت به چالش های پیش روی نظریه شهید صدر پرداخته و یکی از اشکالات محقق اصفهانی بر این نظریه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

متن عربى:

فالصحيح: ربط كشف الاجماع بنفس التراكم المذكور وفقا لحساب الاحتمال، كما هو الحال فى التواتر على فوارق بين مفيدات الاجماع بوصفها اخبارا حدسية، و مفردات التواتر بوصفها اخبارا حسية، و قد تقدم البحث عن هذه الفوارق فى الحلقة السابقة.

و تقوم الفكرة، فى تفسير كشف الاجماع بحساب الاحتمال على ان الفقيه لا يفتى بدون اعتماد للدليل الشرعى عادة، فاذا افتي فهذا يعنى اعتماده للدليل الشرعى، و هذا الاعتماد يحتمل فيه الاصابة و الخطا معا، و بقدر احتمال الاصابة يشكل قرينة احتمالية لصالح اثبات الدليل الشرعى، و بتراكم الفتاوى تتجمع القرائن الاحتمالية لاثبات الدليل الشرعى بدرجة كبيرة تتحول بالتالى الى يقين لتضاول احتمال الخلاف.

و يستفاد من كلام المحقق الاصفهاني الاعتراض على اكتشاف الدليل الشرعى من الاجماع بالنقطتين التاليتين :

الاولى : ان غاية ما يتطلبه افتراض ان الفقهاء لا يفتون بدون دليل ان يكونوا قد استندوا الى رواية عن المعصوم اعتقدوا ظهورها فى اثبات الحكم و حجيتها سندا، و ليس من الضروري ان تكون الرواية فى نظرنا لو اطلعنا عليها ظاهرة فى نفس ما استظهره منها، كما انه ليس من الضروري ان يكون اعتبار الرواية سندا عند المجمعين مساوقا لاعتبارها كذلك عندنا، اذ قد لا نبني الا على حجية خبر الثقة، و يكون المجمعون قد عملوا بالرواية لبنائهم على حجية الحسن او الموثق.

## عدم تلازم تواتر و حکم شرعی :

در بحث تواتر نمی توان گفت که ثبوت تواتر با ثبوت قضیه ای که تواتر بر آن شکل گرفته است، ملازمه دارند . تنها چیزی که می توان گفت این است که هرگاه تواتر ثابت بود، حکم شرعی ثابت است نه اینکه ممکن نیست ( = امکان عقلی وجود ندارد) که ثابت نباشد.

## توضیح:

امکان و استحاله حکم عقل است و تنها با برهان عقلی قابل اثبات است، در حالی که شهید صدر ثبوت قطع به حکم شرعی توسط تواتر را به وسیله برهان ثابت نکرد، بلکه با حساب احتمال و به شکل استقرائی (بوسیله علم آمار) اثبات کرد. لذا حکم به ملازمه ( = عدم امکان انفکاک ) با توجه به مبنای شهید صدر(ره)، میسر نیست.

## عدم تلازم اجماع با ثبوت دلیل شرعی:

چون تواتر با ثبوت حکم شرعی ملازمه ای ندارد، به طریق اولی، اجماع هم که ضعیفتر از تواتر است، هیچ ملازمه ای با ثبوت حکم شرعی ندارد.

## سؤال: چرا اجماع از تواتر ضعیفتر است؟

جواب : زیرا تواتر از اخبار حسی راویان (شنیدن و دیدن گفتار، عمل و تقریر معصوم علیه السلام) تشکیل شده است، در حالی که اجماع از فتاوی فقها (حدس مستند فتوی) تشکیل شده است. از طرف دیگر اعتبار حس بسیار بیشتر از حدس می باشد؛ زیرا احتمال خطا در حدس خیلی بیشتر از احتمال خطا در حس است . در نتیجه ارزش تواتر از اجماع بیشتر می شود.

اعتبار حدس > اعتبار حس

اعتبار اجماع > اعتبار تواتر  $\Rightarrow$

احتمال خطای حس > احتمال خطای حدس

**سؤال: چگونه می توان از طریق اجماع دلیل شرعی را به دست آورد؟**

جواب: فقها از دلیل شرعی استفاده کرده و حکم شرعی ( = فتوی) صادر می کنند. این بدین معنی است که وقتی یک فقیه فتوایی می دهد حتما یک دلیل شرعی (روایت) به نظر خود آن فقیه وجود داشته است. حال اگر نظر و فتوای آن فقیه غلط باشد یعنی دلیل شرعی وجود نداشته است اما اگر نظر و فتوای آن فقیه ( در عالم واقع ) درست باشد یعنی دلیل شرعی وجود داشته است. این مسئله قابل صدق بفتوای سایر فقها نیز می باشد.

در نتیجه طبق حساب احتمالات، احتمال خطای هر فقیه را در هم ضرب می کنیم، وقتی احتمال خطای فقها در هم ضرب شود حاصل ضرب این اعداد ، عدد بسیار کوچکی خواهد بود که به صفر نزدیک می شود و غیر قابل اعتنا می باشد.

مثلاً اگر فرض کنیم احتمال خطای هر فقیه ۵۰٪ (  $\frac{1}{2}$  ) باشد، حساب احتمالات به این صورت است<sup>۱</sup>:

$$\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} \times \frac{1}{2} \times \dots \times \frac{1}{2} = \frac{1}{\text{تعداد فقها}}$$

<sup>۱</sup> در ریاضی هرگاه یک عدد در خودش ضرب شود ، به تعداد دفعات ضرب ، عددی را به عنوان «توان» ، بالای عدد مزبور می نویسند. مثلاً اگر عدد ۲ چهار بار در خودش ضرب شود (  $2 \times 2 \times 2 \times 2$  ) می نویسند  $2^4$  که خوانده می شود دو به توان چهار . در بحث ما نیز تعداد فقها<sup>۲</sup> یعنی دو به توان تعداد فقها. ۱۳۴

در نتیجه وقتی احتمال خطای همه فقها نزدیک به صفر شد، طبق این معادله حساب احتمالات یقین به وجود دلیل شرعی پیدا می کنیم.

## نکته ۱:

در مثال پیش، فرض می کردیم فتوای هر فقیه ۵۰٪ احتمال خطا دارد. اما در واقع این کسر متفاوت است، زیرا اولاً هر چه تبحر و دقت و قوه ضبط فقیه بیشتر باشد و ثانياً مبانی آن فقیه با مبانی ما نزدیکی بیشتری داشته باشد درصد خطا کمتر می شود. مثلاً درصد خطا ۲۵٪ ( $= \frac{1}{4}$ ) می شود؛ در نتیجه حاصل ضرب ( که همان درصد احتمال خطای هر فقیه بود ) به صفر نزدیکتر می شود، در نتیجه احتمال وجود دلیل شرعی بیشتر می شود.

## نکته ۲:

سؤال: چرا احتمال خطای فقها در هم ضرب می شود؟ چرا احتمال صحت را در هم ضرب نمی کنیم تا در نتیجه احتمال صحت به صفر نزدیک شود؟

جواب: زیرا فقط کافی است اثبات کنیم از میان فقهای تشکیل دهنده اجماع فقط نظر یکی درست بوده باشد، در نتیجه روشن می شود که دلیلی شرعی ( یک روایت تمام السند و الدلاله به عنوان مثال ) وجود داشته است، در نتیجه همین یک روایت برای ما کافی است و ما هم می توانیم طبق آن دلیل شرعی، فتوا دهیم.

اشکال اول محقق اصفهانی ( کمپانی )

مرحوم کمپانی، دو اشکال به نظریه مشهور، مبنی بر کشف دلیل شرعی از اجماع وارد کرده است که با اشکال اول در این درس آشنا می شویم :

فرض می کنیم یک روایت از دیدگاه فقهاء تشکیل دهنده اجماع تام السند و الدلاله باشد اما از دیدگاه فقهی که محصل اجماع است ممکن است از نظر سند و دلالت کامل نباشد ( چون مبنای او با آن علما متفاوت است ) بنابراین برای فقیه محصل اجماع، دلیل شرعی وجود ندارد و در نتیجه طبق این روایت نمی توان د فتوی بدهد، هر چند سایر علما بتوانند فتوی بدهند. بنابراین نمی توان به اجماع به عنوان کاشف قطعی از یک دلیل شرعی اعتماد کرد.

### توضیح اشکال اول :

دلایل شرعی عبارتند از: اجماع - عقل - کتاب (قرآن) - سنت (قول، فعل و تقریر معصوم) و اجماع نمی تواند کاشف از هیچ یک از این ادله باشد؛

۱. خود اجماع موضوعیتی ندارد و فقط کاشف از سه دلیل دیگر است.

۲. اگر مستند اجماع عقل باشد، چون خود ما هم عقل داریم، باید خودمان فکر کنیم و جای تعبد و پذیرش اجماع وجود ندارد.

۳. اگر مستند اجماع، قرآن باشد، چون قرآن تحریف نشده است و به طور کامل به دست ما رسیده، باز هم خودمان باید مستقیماً به آن رجوع کنیم و دلیلی برای تعبد به اجماع و پذیرفتن آن وجود ندارد.

۴. تنها احتمال باقی مانده این است که مستند اجماع روایتی باشد که از نگاه فقهای تشکیل دهنده اجماع، تام السند و الدلاله بوده اما به دست ما نرسیده است. در این صورت با این مشکل مواجهیم که ممکن است روایتی که به دست علمای سابق رسیده بود و اکنون مفقود شده است از نگاه مجمعی تام السند و

الدلالة باشد اما همان روایت اگر موجود بود از نظر محصّلین اجماع تام السند و الدلالة نباشد . زیرا ممکن است مبنای مجمعی و محصّلین با هم متفاوت باشد. مثلاً آن فقها حدیث موثق را هم قبول داشته باشند، اما محصّلین فقط حدیث صحیح را قبول داشته باشند، بنابراین نمی توان طبق اجماع فتوی داد چرا که اجماع، کاشف قطعی از دلیل شرعی نیست.

### نکته: روایات به ۴ دسته تقسیم می شوند :

۱. صحیح: تمامی راویان در سلسله حدیث، امامی و ثقه باشند( ضابط باشند).
۲. موثق: در سلسله روایت ثقه غیرامامی وجود داشته باشد.
۳. حسن: حداقل یک نفر از رواة ثقه نباشد ولو اینکه مدح و تعریف هم شده باشد.
۴. ضعیف { سلسله روات منقّل به معصوم (ع) نباشد.  
علمای رجال تصریح به ثقه نبودن یکی از روات کرده باشند.

۱. طبق مبنای شهید صدر (ره)، هرگاه تواتر حاصل شود، حکم شرعی نیز ثابت می شود اما این ثبوت به صورت ملازمه عقلی نیست.
۲. تواتر مستند به حس است اما اجماع مستند به حدس می باشد؛ لذا به طریق اولی اجماع ملازمه ای با ثبوت حکم شرعی ندارد.
۳. شهید صدر (ره) بر آن است که حصول یقین در اجماع، از طریق حساب احتمالات صورت می پذیرد به این شکل که احتمال خطای فقها را در هم ضرب می کنیم . در نتیجه عدد بسیار کوچکی بدست می آید که مورد اعتنای عقلا نیست.
۴. اشکال محقق اصفهانی به کشف دلیل شرعی از اجماع : ممکن است روایتی که مستند مجمعی بوده ( و به دست ما نرسیده ) طبق مبنای محصل اجماع، قابل استناد نباشد.